

(۴)

## بی پیرایگی و همه جانبه بودن اسلام

گرچه همه ادیان در زمان نزولشان برای مردم همان عصر، قابل فهم ، دور از ابهام ، ساده و همه جانبه بوده است ، اما گذشت زمان ، اغراض شوم و جهالت و نادانی بعلاوه پدید آمدن حوادث و مقتضیات جدید ، عواملی بوده است که آنها را از سادگی و همه جانبه بودن خارج می کرد و انواع پیرایه ها و خرافات و پیچیدگی در آنها پدید می آورد و آنها را در راه مقاصد شوم ، بکار می - انداخت !!

هنگامیکه اسلام بعنوان يك آئین جهانی به مردم ابلاغ میشد ، ادیان متداول آن عصر سر نوشت بسیار بدی داشتند ، انواع پیرایه ها به آنها بسته بودند یا تنها توجه آنها به مادیات بوده و یا انحصار يك سلسله اخلاقیات و معنویات خشک و بی روح داشتند یا نمیتوانستند نیازمندیهای همه جانبه زندگی را رفع کنند و نه قدرت اقتناع عقول و افکار باریک بینان و نکته سنجان را داشته اند ، گاهی خدایا در قالب موجوداتی بیجان و یا جاندار مجسم میکردند و گاهی زندگی را منحصر بهمین چند دروزه دنیا و کيفر و پاداش زود گذران ، میدانستند و زمانی اختلاف طبقاتی و تبعیضات نژادی را دامن میزدند و در فرصتی هم ، آنچنان دست مؤبدان و خاخامها و کشیشان را باز میگذاشتند که حتی خرید و فروش بهشت و جهنم در اختیار آنها بود !

اگر کسی می پرسید : چطور خداوند تا این حد میان افراد بشر تبعیض قائل شده که گروهي را (برهمنان) از قسمت علیای خود ، و دیگران را از قسمت سفالیش می آفریند؟! و یا چگونه ممکن است آتش ، مظهر خدا باشد و آتشکده ها همواره روشن باشد؟! و یا چطور راست که « بنی اسرائیل » ملت برگزیده خدا بوده ، و سایر ملل برای بهره کشی آن ، آفریده شده اند؟! و یا نظائر اینگونه پرسشها که هنگام برخورد با پیروان مذاهب بزرگ و مطالعه کتب تاریخ ادیان و ملل و نحل ، برای آدمی پیش

می‌آید ، پاسخی که میشنید قانع‌کننده نبوده مرجع اکثر آن‌این بود که قلمرو دین از منطق و استدلال جدا است !!

ولی اسلام ، از همه این پیرایه‌ها و خرافات ، بدور است ، نه پیچیدگی و ابهامی دارد نه خدارا از مقام خدائی پائین می‌آورد ، نه تبعیضات نژادی و اختلاف طبقاتی را تصویب می‌کند نه آزادیهای مشروع را سلب می‌کند ، به انسان آزادی بی‌حد و حساب می‌دهد ، نه زندگی خود را تنها صرف معنویات و امور مربوط به آخرت می‌کند و از مظاهر زندگی دنیا چشم‌پوشد ، و نه کوچکترین نیازمندی مادی و معنوی جامعه و فرد را نادیده می‌گیرد و نه ... و نه ...

آنچه را که به صورت عقائد اراکه می‌دهد ، دوازدهم هر نوع ابهام و مطابق با حکم عقل است ، عبادات و احکامش همه دارای مصالح بوده ، قوانینش همه جنبه خرد پذیر است .

عامل پیشرفت اسلام ، در درجه اول همین پیراستگی و قابل فهم بودن و همه جانبه بودن قوانین آن می‌باشد .

### مصاحبه مفروق با پیامبر اسلام

پیامبر اسلام ، چندتن از بزرگان قبیله « بنی شیبان » را دید و آنان را بدین خدا دعوت کرد و به آنها فرمود : « شمارا دعوت می‌کنم که به وحدانیت خدا گواه دهید و بدانید که من پیغمبر خدایم و مرا پناه دهید و یاری کنید ، زیرا قریش بمخالفت با او امر خداوند بر خاسته پیغمبر خدا را تکذیب می‌کنند و باطل را گرفته و حق را رها کرده اند و خدا است که بی‌نیاز و شایسته حمد و سپاس است »

یکی از آنها که نامش « مفروق » و مردی خوشروی و زبان آور بود گفت : « دیگر به چه دعوت می‌کنی ؟ پیامبر اسلام آیه ۱۵۱ از سوره انعام را برای او تلاوت فرمود . مفروق گفت : « این سخن مردم زمین نیست ، اگر از سخن مردم زمین بود ، ما می‌شناختیم »

سپس گفت : « دیگر به چه دعوت می‌کنی ؟ » پیامبر اکرم آیه زیر را قرائت فرمود :

إِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ  
وَالْبَغْيِ يَبْغِي لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ « یعنی : خدا به عدالت و نیکو کاری و پیوند با

خویشاوندان امر می‌کند و از کار زشت و ناپسند و ستم نهی می‌کند ، خدا شمارا پند می‌دهد شاید پند گیرید (سوره نحل آیه ۹۰) .

مفروق گفت : « به خدا که توبه تمامی اخلاق و اعمال نیک ، دعوت کردی

مردمی که از حق روگردانند و ترا تکذیب کردند و با تو دشمنی ورزیدند ،

سخت گمراهند (۱)

آیا چه عاملی باعث شد که فرد کافری با شنیدن دو آیه قرآن، تسلیم شود و اقرار به حقانیت این دین کند، آیا عاملی جز برتری قوانین اسلام و در عین حال بر پیرایه گی و سادگی و همه جانبه بودن آن داشته است ؟

### دکتر و انگلیسی استاد دانشگاه ناپل اعتراف میکند :

« اسلام در تماس با هر فردی دعوتی دارد مرکب از دورکن :

۱ - اینکه شخص به یگانگی خدا ایمان بیاورد .

۲ - معتقد شود به اینکه محمد (ص) فرستاده خداست .

پیامبر اسلام با صدائی که بر اثر ارتباط عمیق با پروردگارش به او وحی شده بود، خالص ترین و پاک ترین نوع یگانه پرستی را به پرستندگان خرافات و سحر و جادو، و به پیروان مسیحیت و یهودیت که وسیله، کشیهای خود به فسادگرائیده بودند تبلیغ کرد. او آشکارا خود را با تمایلات ارتجاعی و رغبت های کهنه پرستی بشر که منتهی به شرک میشد، مخالف، قلمداد نمود « بگو اوست خدای یگانه، خدای مستقل و مورد احتیاج همه، نزاآیده است و زآئیده نشده است و هیچ نظیر و شبهی ندارد » (۱)...

صرف نظر از دواصل اساسی یادشده، یعنی یگانگی خدا و رسالت محمد (ص) سایر اصولی که مسلمین به آن ایمان دارند و جامعه اسلامی آنرا پذیرفته است، بعد از قرنها مطالعه و بحث و مناظره، در وضعی قرار ندارد که به هیچ صورتی با علوم طبیعی جدید مابینتی یا با حقایق فلسفی مخالفتی داشته باشد...

در صورتیکه سایر ادیان، بطور کلی عقاید و نظرانی را به پیروان خود تحمیل می کنند که فهم و درک آنها بسیار دشوار است.

اسلام دینی است که به نحو معجزه آسائی مملو از سهولت و سادگی و زیبایی است. این معنی نیز در موقع فتوحات اولیه علت و موجب دیگری از سرعت انتشار و نفوذ آن در میان مردمی بوده که بر اثر مهم بودن پاره های از عقائد دینی شان؛ دچار یکرشته اضطراب و تشویش روحانی و ذهنی شده بودند و امر و زنیز علت نفوذ مداوم و مستمر آن در میان ملل آسیائی آفریقائی همان جهت است، زیرا اسلام میتواند بدون مراجعه به بسط و توضیحات؛ یا بدون احتیاج به تشریفات پیچیده و تودرتو در روح آنها نفوذ کند (۲)

### اعترافی دیگر؟

استاد « نشکنتا بادھییا » رئیس سابق دانشکده « حیدرآباد » و استاد تاریخ دانشکده

۱ - سوره اخلاص آیه ۱ تا ۵

۲ - پیشرفت سریع اسلام. نوشته بانو دکتر توکیچیا و انگلیری استاد دانشگاه ناپل

ایتالیا ترجمه سیدغلامرضا سعیدی ص ۳۳- ۵۵

«مهر اجا» در «میسوری» پس از تحقیق و بررسی عمیق دربارهٔ ادیان و مذاهب بزرگ، چون تنها آئین اسلام را جوابگوی نیازمندیهای مادی و معنوی بشر و دور از هر نوع ابهام و پیچیدگی می‌یابد، از این جهت مسلمان میشود و علت اساسی اسلام آوردنش را سه اصل زیر می‌داند:

۱ - درستی تاریخ اسلام و اینکه آن تنها آئینی است که از نظر تاریخی سند محکم و درستی دارد.

۲ - آئین اسلام؛ با عقل و دانش سازگاری تام دارد.

۳ - اسلام، آئین عملی است نه خیالی

او در توضیح اصل دوم و سوم اینطور ادامه میدهد: اساس اسلام بر سه پایه یگانگی خدا و نبوت محمد (ص) استوار است. آنگاه می‌افزاید: لازم است هر فرد صحیح و عاقلی در برابر این حقیقت ساده بزرگ که عبارت از یگانگی خدا است، تسلیم شود (نه مانند خدای یکتای یهود که مختص بخود آنها است)

در اسلام، تعالیمی مانند اینکه سه خدا در عین وحدت (تثلیث) و یاسی میلیون خدا (همچنان که در میان بودائیان و برهمنائیان و بت پرستان موجود است) وجود ندارد.

علاوه بر اینها، اسلام مطابق با نیازمندیهای مردم هر عصر و زمان و سازگار با فرهنگ و دانش است.

پردهای از خوش باورها پنداشته اند که آئین بودا و مسیح نیز بر نیکوترین کمالات استوار است ولی باید دانست که این جز يك خطای بزرگ نیست زیرا تعالیم فعلی آنها بیشتر به قصه‌ها و حکایات بی اساس شباهت دارد و به شعر و افسانه بیشتر شبیه است تا به يك آئین آسمانی که می‌باید با نیازمندیهای هر عصر و زمانی موافق باشد.

بنابراین: در هر حلقهٔ نخست، حالات بشر را باید در نظر گرفت آنگاه دربارهٔ کمال تعالیم آئینی نسبت به فائده‌ای که از آن عائد جامعه میشود، قضاوت کرد.

تمام تعالیم اسلام، از مسائل مربوط به تشکیل خانواده گرفته تا مسائل مربوط به حکومت و تجارت و پیوندهای اجتماع، همه بر اساس همین اصل (مطابق بودن با نیازمندیها و علم و دانش) استوار است (۱)

با توجه به مطالب و اعترافات فوق، بطور یقین میتوان گفت که یکی از بزرگترین عوامل پیشرفت اسلام از زمان پیامبر اکرم تا عصر ما همان، بی‌پیرایگی و همه‌جانبه بودن این آئین مقدس است.

نا تمام